

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

۰۴ اگست ۲۰۱۶

تفسیر احمد - ۱۸

ترجمه و تفسیر سوره التین - ۲

به ادامه گذشته:

ولی در آیت بعد می افزاید: مگر کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند که برای آنها پاداشی است قطع نشدنی (الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غیر ممنون) «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (مگر کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند که آنان پاداش قطع ناشدنی و بی‌منت دارند.) «غَيْرُ مَمْنُونٍ»: ناگسیختنی، قطع ناشدنی، بی‌منت (مراجعه شود به سوره فصلت / ۸ ، قلم / ۳ ، انشاق / ۲۵). «ممنون» از ماده من در اینجا به معنی قطع یا نقص است ، بنابراین غیر ممنون اشاره به پاداشی دائمی و خالی از هر گونه نقص است و بعضی گفته اند منظور خالی از منت بودن است اما معنی اول مناسب تر به نظر می رسد. در تفسیر این آیت مبارکه باید گفت که ایمان به تنهایی ، برای نجات کافی نیست! و ایمان و عمل صالح، ارکان اساسی قرب الی الله ، ایمان و عمل صالح از شاخص ترین، بلکه از بارزترین و مهمترین عواملی که سبب داخل شدن انسان به به جنت می گردد همانان ، ایمان و عمل صالح است. به یاد داشته باشید که ایمان بدون عمل، اثری ندارد، همچنان عمل بدون ایمان هم سودبخش نیست و مفید تمام نمی شود. با نگاهی کوتاه به آیات قرآن، در می یابیم که سعادت و خوشبختی انسان و جامعه در گرو دو چیز است: ایمان و عمل صالح و زندگی با ایمان و عمل شایسته. خداوند در قرآن می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره نحل، آیت ۹۷-۱۳۴ - سوره بقره، آیت ۸۲) هر کس از مرد و زن، کار نیکی را به شرط ایمان برای خدا به جا آرد، ما او را در زندگانی، خوش و با سعادت زنده ابد می گردانیم و اجری بسیار از عمل نیکی که کرده به او عطا می کنیم. و در آیت دیگری می فرماید: «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.» (سوره بقره ، آیت ۸۲) (کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، آنها پاران بهشت اند و برای همیشه در آن خواهند ماند.)

«ایمان» و «عمل صالح» از جمله چیزهایی هستند که خدای متعال آنها را از ما مطالبه کرده و آن را شرط رسیدن به کمال و سعادت بشر دانسته است. این دو مفهوم در قرآن کریم در بسیاری از موارد در کنار هم ذکر شده‌اند و بر تلازم آنها با یک دیگر تأکید گردیده است. نمونه‌ای از این آیات را با هم مرور می‌کنیم:

- وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (سوره بقره آیت ۲۵) و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده که ایشان را باغ‌هایی خواهد بود که از زیر (درختان) آنها جوی‌ها روان است.

- الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا بَدَأَ اللَّهُ لِقَابِهِمْ (سوره رعد آیت ۲۹) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، خوشا به حالشان، و خوش سرانجامی دارند.

- فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ (سوره انبیاء آیت ۹۴) پس هر که کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن (هم) باشد، برای تلاش او ناسپاسی نخواهد شد.

از این آیات معلوم می‌شود وظیفه ما در قبال خدای متعال، «ایمان» و «عمل صالح» است.

علماء رابطه «ایمان» و «عمل صالح» مثل رابطه «درخت» و «میوه» می‌دانند. یک درخت سالم (از درختان میوه) خالی از میوه نخواهد بود، همچنین ایمان از عمل صالح جدا نخواهد شد، نگر ایمانهای ضعیف و کم نور که در برابر شهوت و هوس ها از اثر می‌افتد و به تعبیر روشنتر عمل صالح تجسم ایمان قلبی است.

البته این سخن بدان معنا نیست که معصیتکاران یا مرتکبان کبیره کافرند آنگونه که خوارج می‌پنداشتند، بلکه منظور این است ایمان قوی همیشه از عمل صالح مقدم داشته شده، با این که به نظر می‌رسد انجام واجبات و ترک محرمات کاری مشکل تر از ایمان است، و قاعدتاً باید مقدم داشته شود، این به خاطر آنست که قرآن با این بیان می‌خواهد اشاره به ریشه و اساسی بودن ایمان نسبت به اعمال صالح کند. تعبیر به ایمان و عمل صالح، آنچنان تعبیر گسترده ای است که تمام مراحل ایمان به خدا و سایر مبانی اعتقادی را از یکسو، و انجام هرگونه کار شایسته فردی و اجتماعی و سیاسی و عبادی را از سوی دیگر شامل می‌شود.

«وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر/۱-۳) در سوره عصر به زمان قسم یاد می‌کند و می‌فرماید: قسم به زمان! انسانها در زیانند، مگر کسانی که ایمان دارند، «وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» و عمل صالح انجام می‌دهند.

ایمان به تنهایی هیچ فایده ای ندارد؛ ایمان و عمل همیشه توأم با یکدیگر هستند.

رابطه ایمان و عمل صالح:

ایمان و عمل صالح ارتباط متقابلی با یکدیگر دارند. در آیات بسیاری از قرآن کریم به عمل صالح نیز بعد از ایمان اشاره شده است.

این دو درحقیقت مانند دو پله ترازویی هستند که سنجش بدون یکی از آن دو ممکن نیست و ایمان بدون عمل صالح، سودی نخواهد داشت. اگر کسی بدون آن که به برنامه های اسلام عمل کند، ادعای ایمان داشته باشد، ایمانش، ادعائی بیش نیست و هیچ سودی به حال او نخواهد داشت.

قرآن مجید در این باره می‌فرماید: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ» (انعام، ۱۵۸).

آثار و فواید پیوند ایمان و عمل صالح:

فواید و ثمراتی که از توأم بودن ایمان و عمل صالح در قرآن آمده، نشان دهنده این است که این دو با هم ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی دارند. اگر ایمان در اعماق جان نفوذ کند شعاع آن در اعمال انسان خواهد تابید و عمل او را صالح می کند؛ زیرا عمل صالح، میوه درخت ایمان و ایمان همچون ریشه می باشد، و وجود میوه شیرین، دلیل بر سلامت ریشه و ایمان بدون عمل صالح، درختی بی میوه است. بنابراین ثمره این دو عبارتست از: **محو و زدودن گناهان!** اعمال صالح موجب می شود گناهان گذشته انسان محو شود. خداوند می فرماید: «یکفر عنکم من سیئاتکم؛ بخشی از گناهانتان را می زداید.» و «ان الحسنات یذهبن السیئات؛ قطعاً نیکی ها بدی ها را از بین می برند».

عامل سعادت و رستگاری:

معیار سعادت انسان، ایمان و عمل صالح است: سعادت دارای درجات و مراتب مختلفی می باشد. عمل صالح، مرحله اولی از مراحل کمال و سعادت انسانی است و موجب صفا و طهارت در حواس و اعضاء می شود. خداوند متعال می فرماید: « مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً » هرکس از زن یا مرد عمل صالح انجام دهد، زندگی پاکیزه خواهد داد و پاداشی بهتر از کردارش به او عطا خواهیم کرد.» (سوره نحل، ۹۷) عمل صالح زندگی دنیوی و اخروی انسان را تغییر می دهد و حیات طیب در دنیا و آخرت را نصیب افراد مؤمن نیکوکار می سازد. عمل صالح (نیکوکاری) همراه ایمان، بزرگ ترین بهائی است که خریداران فلاح و رستگاری را به آن می رساند.

از منظر و فهم قرآن، رستگاری محصول عمل صالح و ایمان است. بنابراین ملاک در سعادت، حقیقت ایمان و عمل صالح است، نه صرف ادعای لفظی و زبانی.

آخرین درجه سعادت، رسیدن به لقای پروردگار است که با عمل صالح میسر و امکان پذیر می شود: « فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا؛ هرکس به ملاقات پروردگارش امیدوار باشد، باید عمل صالح انجام دهد.» در سوره عصر به زمان قسم یاد می کند و می فرماید: قسم به زمان! انسانها در زیانند، مگر کسانی که ایمان دارند، «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» و عمل صالح انجام می دهند. نقطه قابل توجه که در این سوره وجود دارد اینست که ایمان به تنهایی هیچ فایده ای ندارد؛ ایمان و عمل همیشه توأمان با یک دیگر هستند.

محبت آفرینی و ایجاد دوستی:

از دیگر ثمرات ایمان و عمل صالح، محبت آفرینی است که الله تعالی می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند رحمان دوستی آنان را در دل های مردم قرار می دهد. (سوره مریم، ۹۶).

بنابراین ایجاد دوستی، یکی از ثمرات ایمان و عمل صالح است و از دیگر ثمرات این دو عبارتند از: دادن جزاء و پاداش نیکو و ضایع نشدن اجر، کسب خوف و رجاء، مورد مغفرت واقع شدن، خوش عاقبتی، رزق زیاد، بهره مندی از رحمت و موهبت الهی، هدایت از ظلمات به نور، زیانکار نبودن، فوز و پیروزی بزرگ، و عده بهشت و جاودان بودن آن و...

باید توجه داشت ثمرات و فوائد مذکور به شرط توأم بودن ایمان و عمل صالح به دست می آید و لازمه حصول آنها منوط به وجود ایمان در کنار عمل صالح است و خداوند عمل صالح را به اندازه توان و طاقت انسان تعیین کرده؛ تا افراد مؤمن بتوانند عمل صالح را در کنار ایمان انجام دهند.

علاوه بر آیات، روایات زیادی بر ارتباط متقابل ایمان و عمل صالح، تصریح کرده اند که به برخی از آنها اشاره می شود.

نتیجه گیری:

از مجموع آیات و روایات استفاده می شود که ایمان و عمل مانند دو بال هستند که پرواز با يك بال ممکن نیست و دو واقعیت جدانشدنی هستند و مقارنت ایمان و عمل صالح در آیات و عدم مخالفت روایات وارده در این زمینه، ارتباط مستقیم و متقابل این دو را تصدیق می کند.

« فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدُ بِالْإِيمَانِ » « پس بعد از این چه چیز تو را به تکذیب روز جزاء وامی دارد؟ » یعنی: ای انسان منکر! اکنون که دانستی خداوند تو را در نیکوترین ساختار آفریده است و هم اوست که تو را به فرودین فرود برمی گرداند پس چه چیز تو را و او می دارد که رستاخیز و جزا را منکر گردی؟ به قولی: خطاب برای رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است. یعنی ای محمد صلی الله علیه وسلم ، بعد از ظهور این دلایل قاطع و گویا ، باز کدامین انسان تو را تکذیب می کند؟ « أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ » « آیا خداوند حکم کننده ترین حاکمان نیست » هم در قضا و هم در عدل خویش؟ بی شك که هست ؛ از آن رو که او انسان را به نیکویی و زیبایی و با بهترین ساختار آفرید ، سپس کافران و منکران خویش را در فرودین فرود دوزخ افگند و مؤمنان را به درجاتی بلند برتری بخشید ؛ پس از عدل اوست که قیامت را برپا می دارد تا مظلومان داد خویش را از ظالمان بستانند.

در تفسیر میزان درباره این آیت مبارکه می نویسد : « آیا خدا بهترین حکم کنندگان نیست ؟ » در ادامه با استقهامی تویخی خطاب به نوع انسان می فرماید: چه عاملی تو را به این امر واداشته که جزای روز قیامت را تکذیب کنی؟ با این که ما نوع انسان را به دو گروه پاداش داده شده و برگردانده شده به اسفل السافلین تقسیم کرده ایم ، آیا جز این است که خداوند احکم الحاکمین است و حکم او مافوق هر حاکم می باشد، زیرا حکم او در اتقان و نفوذ از حکم هر حاکم دیگر برتر است و همین حکم متقن و حکیمانه اقتضای می کند که این دو طائفه از انسانها در جزاء مختلف و متفاوت باشند، پس باید روز جزائی باشد تا هر کس مطابق عملش جزاء داده شود و عقل و فطرت انسان هرگز تجویز نمی کند که روز جزائی در بین نباشد .

پیام های سوره تین:

- ۱- نعمت های دنیوی حتی خوردنی ها، قداست دارد و مورد سوگند الهی واقع شده اند. «و التین و الزیتون».
- ۲- سلامتی که از طریق غذا به دست می آید و امنیت، مهم ترین نیازهای مادی انسان است. «التین و الزیتون... البلد الامین».
- ۳- قداست وحی، به زمین ها نیز سرایت می کند. «طور سینین».
- ۴- امنیت شهر مکه، دعای حضرت ابراهیم است که گفت: «رب اجعل هذا بلداً آمناً» و این دعا مورد استجاب واقع شد. «هذا البلد الامین»
- ۵- انسان در آفرینش بر همه موجودات برتری دارد. «خلقنا الانسان في احسن تقويم»

- ۶- خداوند بر آغاز و فرجام انسان حاکم است. «خلقتنا... رددنا»
- ۷- انسان در اصل خلقت پستی ندارد و سقوط او در طی مراحل زندگی واقع می‌شود. «خلقتنا الانسان فی احسن تقویم ثم رددناه اسفل سافلین»
- ۸- انسان که برترین مخلوق است، سقوطش نیز از همه موجودات پست‌تر است. «احسن تقویم... اسفل سافلین» (چنان که در آیات دیگر نیز می‌فرماید: «اولئک کالانعام بل هم اضل»)
- ۹- دوری از ایمان و عمل صالح سبب سقوط است و ایمان، عامل دوری از هر گونه پستی و نزول است. «رددناه اسفل سافلین الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات»
- ۱۰- با آن که خداوند خالق انسان است و هرگونه بخواهد حق دارد با مخلوقش رفتار کند، اما او بر اساس عدل، حکم می‌کند و بهترین داوران است. «احکم الحاکمین»

میوجات و حبوبات ذکر شده در قرآن:

همه گیاهانی که از زمین می‌رویند از هر نظر مهم و آیت روشنی از عظمت پروردگار با عظمت می‌باشند. در قرآن عظیم الشان از گیاه به عنوان «نبات» بیش از ۲۰ بار، از درخت با عنوان «شجره» بیش از ۲۰ بار، از میوه با عنوان «فاکهه و ثمر» بیش از ۳۰ بار، از دانه حبوبات با عنوان «حب» بیش از ۱۰ بار و از زراعت با عنوان «زرع» ۹ بار و از سبزی با عنوان «قضب و بقل» دو بار ذکری به عمل آمده است.

«انار» (رمان)

کلمه انار سه بار در قرآن عظیم الشان ذکر گردیده است. (سوره انعام آیت ۹۹، سوره انعام آیت ۱۴۱، سوره الرحمن آیت ۶۸)

«انجیر» (تین)

انجیر یک بار در قرآن عظیم الشان ذکر گردیده است (سوره تین آیت ۱)

انجیر از جمله قویترین میوه‌ها و یا هم گفته می‌توانیم که انجیر از بهترین مواد غذایی است که انسان می‌تواند در هر سن و سالی از آن استفاده نماید، انجیر را می‌توان به عنوان قند طبیعی برای کودکان استفاده نمود. ورزشکاران و نیز آنها که دچار ضعف یا پیری هستند می‌توانند از انجیر برای تغذیه خود استفاده کنند.

می‌گویند «افلاطون» به قدری انجیر را دوست می‌داشت که بعضی آن را دوست فیلسوفان نامیده اند.

«سقراط» انجیر را جذب کننده مواد نافع و دفع کننده ضرر می‌دانسته است.

«جالینوس» رژیم مخصوصی از انجیر برای پهلوانان تنظیم کرده بود. به پهلوانان روم و یونان قدیم نیز انجیر داده می‌شد.

علماء می‌گویند: انجیر سرشار است از ویتامین‌های مختلف و قند بوده در بسیاری از امراض از آن به عنوان يك دوا می‌توان استفاده کرد مخصوصاً هرگاه انجیر و عسل را به طور مساوی مخلوط کنند برای زخم معده بسیار مفید است.

خوردن انجیر خشک، باعث تقویت حافظه می‌شود و به علت وجود عناصر معدنی در انجیر که سبب تعادل قوای بدن و خون می‌گردد، انجیر را غذای هر سن و شرایطی، معرفی کرده اند.

«انگور» (عنب)

میوه انگور، به صورت جمع و مفرد (عنب و اعناب) بیش از ۱۰ بار در قرآن عظیم الشان ذکر گردیده است (سوره رعد آیت ۴، سوره نحل آیت ۱۱ و یس آیت ۳۴، سوره نحل آیت ۶۷، سوره اسرا آیت، سوره کهف آیه ۳۲ و ۴۲)

«خرما» (رطب)

«درخت خرما» (نخل، نخیل، نخله) کلمه نخل و نخیل در ۲۰ آیت از قرآن عظیم الشان ذکر شده است (سوره رعد آیت ۴، سوره انعام آیت ۹۹، سوره ق آیت ۱۰، سوره انعام آیت ۱۴۱، سوره یس آیت ۳۴)

«خیار» (بادرنگ)

خیار در ماجرای بنی اسرائیل آمده که آنان به یک غذا قناعت نکردند و از موسی علیه و السلام خیار خواستند. (سوره بقره آیت ۶۱)

«زیتون»

نام زیتون ۶ بار در قرآن عظیم الشان تذکر رفته است، یک بار به طور مستقیم به درختی اشاره شده که در کوه سینا می روید و از آن روغن تولید می گردد (ذکر آن در سوره مؤمنون آیت ۲۰).

هکذا نام درخت زیتون دو بار به تنهایی و پنج بار همراه دیگر میوه ها همچون خرما، انار، انگور و انجیر به کار رفته است. در قرآن عظیم الشان درخت زیتون از نشانه های خداوند معرفی شده (سوره نحل آیت ۱۱) و درخت زیتون از جمله درخت مبارک و پر برکت ذکر شده است (سوره نور آیت ۳۵) همچنین خداوند متعال به درخت قسم یاد کرده است (سوره نور آیه ۳۵).

کیله «موز»

کیله یک بار در قرآن کریم آمده است که بهشتیان از درخت کیله ای که میوه اش بر روی هم چیده شده بر خوردارند (سوره واقعه آیت ۲۹)، البته غالب مفسران قرآن عظیم الشان، «طلح» را درخت کیله می دانند اما فاروقی آن را «اقاقیا» می داند.

«پیاز» (بصل)

یاد کردن از پیاز در ماجرای بنی اسرائیل است که آنان به یک نوع غذا قناعت نکردند و از موسی (ع) پیاز خواستند (سوره بقره آیت ۶۱)

«سیر» (قوم)

در قرآن کریم و در ماجرای بنی اسرائیل سیر هم یکی از خواسته های قوم، از حضرت موسی (ع) بوده است (سوره بقره آیت ۶۱)

«ترنجبین» (من)

قرآن کریم سه بار از ترنجبین یاد می کند که به عنوان نعمت به بنی اسرائیل عطاء شده است (سوره بقره آیت ۵۷، سوره اعراف آیت ۱۶۰، سوره طه آیت ۸۰)

«حنا» (کافور)

کلمه کافور یک بار در قرآن و آنهم در سوره «انسان آیت ۵» به کار رفته است.

«زنجبیل»

زنجبیل یک بار قرآن عظیم الشان یاد شده و آن را آمیزه نوشیدنی بهشتیان یاد کرده است. (سوره انسان آیت ۱۷)

«عس» (نسک)

قرآن کریم از عس در ماجرای بنی اسرائیل و تقاضای آنان از حضرت موسی ذکر می کند. (سوره بقره آیت ۶۱)

«کدو» (کدو)

کدو در قرآن کریم یک بار و در سوره «صافات آیت ۱۴۶» آمده و در آن اینگونه بیان شده که خداوند پس از نجات دادن حضرت یونس از شکم ماهی بر سرش بوته کدویی رویانید تا او از اشعه سوزان آفتاب در امان باشد.

میوجات و درختانی جنتی:

در مورد این که در بهشت چه درخت هائی از میوه وجود دارد، آیت واحادیث در مورد اشارت مشخصی ندارند، و این جزو علم غیب است. فقط می دانیم که طبق بعضی از نصوص شرعی (کتاب و سنت) اسم بعضی از میوه ها و درختهای بهشتی ذکر شده اند، مانند میوه انار و خرما و سیب و .. و یا درخت سدر..

اما باید به این نکته مهم هم توجه نمود که در آنجا اهل جنت هر میوه ای که بخواهند برایشان مهیا می شود، چرا که در قرآن آمده: «وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ (۲۰) وَالْحَمِّ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ» (سوره الواقعة / ۲۰-۲۱). یعنی: و هر نوع میوه را که برگزینند و بخواهند، به کامل ترین و زیباترین صورت برایشان فراهم خواهد بود و از گوشت انواع پرندگانی که بخواهند به هر صورتی که بخواهند کباب شده یا پخته شده و یا به صورتی دیگر که بخواهند برایشان فراهم خواهد شد.

و «يَذُوعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمْنِينَ» (سوره الدخان ۵۵) یعنی: آنان در بهشت هر میوه ای را که بخواهند از آنچه که در دنیا اسمش هست و از آنچه که در دنیا اسمی از آن نیست و شبیهی ندارد می طلبند، پس هر میوه ای، از هر نوع را که بخواهند بدون زحمت و مشقت فوراً برایشان حاضر می گردد.

و فرمود: «وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ؛ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ» واقعه (۳۲-۳۳). یعنی: همانند میوه های دنیا نیستند که در بعضی وقت ها یافت نمی شوند و فقط در برخی فصل ها در دسترس هستند و به دست آوردنشان مشکل است، بلکه میوه های بهشت همواره و همیشه وجود دارند و چیدن و استفاده از آن راحت است و انسان در هر حالتی که باشد به آن دسترسی دارد و فرمود: «إِنَّ الْمَتَّوِّينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ * وَفَوَاكِهٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ» (مرسلات ۴۰-۴۱). یعنی: پرهیزکاران در میان درختان متنوع و سایه سار و سرسبز و با طراوات و چشمه سارانی دیدنی هستند که از چشمه سلسبیل و رحیق سرچشمه می گیرند و بهترین و پاکیزه ترین میوه هائی که دلخواه آنان است و آرزو می کنند برایشان مهیاست.

و فرمود: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَنْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (سوره البقره / ۲۵). (به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند، بشارت ده که باغهایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست. هر زمان که میوه ای از آن، به آنان داده شود، می گویند: «این همان است که قبلاً به ما روزی داده شده بود. ولی اینها چقدر از آنها بهتر و عالیتر است.») و میوه هائی که برای آنها آورده می شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند. و برای آنان همسرانی پاک و پاکیزه است، و جاودانه در آن خواهند بود.) در تفسیر سعدی آمده: «میوه های بهشتی همه در زیبایی و طعم همسانند و در میان آن میوه مخصوصی وجود ندارد و اهل بهشت همواره در ناز و نعمت به سر می برند. پس آنها همواره با خوردن آن میوه ها لذت می برند. «وَأَنُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا» عده ای می گویند میوه های بهشت تشابه اسمی دارند اما در مزه با یکدیگر فرق می کنند. گروهی نیز می گویند در رنگ با یک دیگر متشابه هستند اما در اسم فرق می کنند. برخی نیز در این باورند که در زیبایی و لذت تشابه دارند شاید این بهترین قول باشد.»

هر بار که نعمتی جدید به آنها تقدیم می‌گردد چون میوه‌ها در ظاهر به یک شکل و صورت می‌باشد گمان می‌کنند که همان میوه قبلی است، ولی در حقیقت این چنین نیست. و همه آنها در مزه و طعم و خوشبوئی خواص منحصر به فرد داشته و با دیگری متفاوتند.

و این آیات نشان می‌دهند که محدودیتی در بهشت از نظر میوه دلخواه وجود ندارد، و حتی میوه های جدیدی وجود دارند که در دنیا وجود نداشته است.

و همچنین در مورد درختان جنتی آمده: «وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ * فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ * وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ» (سوره واقعه ۲۷-۲۹).

یعنی: اما اصحاب سعادت، اصحاب سعادت چه حال دارند؟ یعنی حالت بسیار خوبی دارند. «فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ» در میان درختان سدري هستند که خار هایشان گرفته شده و بریده شده است و شاخه های خراب آن قطع گردیده و به جای خار و شاخه های مضر میوه قرار داده شده است و درخت سدر ویژگی هائی چون سایه گسترده و آرامش یافتن انسان در سایه آن را دارا می باشد.

«وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ» «طلح» درخت بزرگی است که در صحرا می روید و میوه ای لذیذ و خوشمزه دارد و خوشمزه است. ابن ابی‌الدنیا از سلیم بن عامر روایت می‌کند که فرمود: اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌گفتند: خداوند در آمدن اعراب بادیه‌نشین و سؤالاتشان ما را مستفید می‌گرداند. روزی یکی از بادیه‌نشینان به خدمت رسول خدا صلی الله علیه وسلم رسید و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم! خداوند در بهشت درختی را عنوان کرده که آزاددهنده است و من فکر نمی‌کردم که درخت آزاددهنده‌ای در بهشت وجود داشته باشد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «آن چه درختی است؟» گفت: درخت سدر. این درخت، خار دارد و خارش مزاحم است. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «مگر نه این که خداوند فرموده است (فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ) (سوره الواقعة آیت ۲۸) خداوند خار آن را برداشته و به جای هر خار ثمری رویانده است. ثمری از این درخت می‌روید که هر دانه‌اش به هفتاد و دو رنگ درآمد و هیچ کدام از رنگ‌هایش شبیه دیگری نیستند».

و فرمود: «هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ» (سوره انعام آیت ۱۴۱).

یعنی: و اوست که باغهایی آفرید نیازمند به داربست و بی نیاز از داربست، ودرخت خرما و کشتزار، با طعمهای گوناگون، و درخت زیتون و انار، که از جهتی با هم شبیه، و از جهتی تفاوت دارند. خلاصه این که در جنت همه انواع میوه همچون سیب، خرما، انگور و انار و زیتون و غیره وجود دارد، تا چه رسد به انواع گل‌ها و شکوفه‌های خوشبو و در یک کلمه درجنت چیزهائی وجود دارد که هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ گوشی آن را نشنیده و هیچ کدام از آن حتی بر فکر کسی نیز خطور نکرده است، خداوند ما را بی‌نصیب نگرداند. صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست:

معلومات مؤجز

ترجمه مؤجز

وجه تسمیه

کوه زیتا یا کوه زیتون

اسباب نزول
محتوا سوره
ترجمه و تفسیر
رابطه ایمان و عمل صالح
آثار و فواید پیوند ایمان و عمل صالح
محوزدودن گناهان
عامل سعادت و رستگاری
محبت آفرینی و ایجاد دوستی
نتیجه گیری
پیام های این سوره
میوجات و حبوبات ذکر شده در قرآن
میوجات و درختانی جنتی

منابع و مأخذ های عمده :

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبدالرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- امام سیوطی کتاب « اسباب النزول »
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن مهندس حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن/ سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تألیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری